

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عقاید خاصه شیعه

کرایش فقه و اصول

درس ۱۳

استاد: حجت الاسلام والمسلمین طبسی

آموزشیار: آقای کارگر

مقدمه:

چنانچه گذشت یکی از باورهای ویژه ی شیعیان ، اعتقاد به رجعت و حیات مجدد افراد و گروه های خاص در پایان تاریخ و ظهور امام زمان (عج) است . رجعت ، باوری است که مخالفان با پرسش ها و شبهه های فراوانی در صدد مخدوش جلوه دادن آن بر آمده اند. بر همین اساس علمای شیعه با عنایت به قرآن و روایات معصومان علیهم السلام اعتقاد به چنین پدیده ای را یکی از اعتقادات مذهب شیعه تلقی کرده اند و انکار آن را جایز نمی دانند . و به این منظور در صدد پاسخ به شبهات و سؤالات مخالفان برآمده اند.

در این درس به بررسی آیات وقوع رجعت در امت های پیشین و امت اسلام پرداخته خواهد شد.

بخش دوم :

آیات وقوع رجعت در امت‌های پیشین :

۱. «الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم وهم ألوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم»^۱

آیا کسانی را که از ترس مرگ از دیار خود بیرون رفتند ندیدید که هزاران تن بودند. خداوند فرمود: بمیرید، همه مردند، سپس آنها را زنده کرد.

خلاصه سرگذشت: این‌ها گروهی از اهل (داوردان)^۲ بودند، همین که طاعون در شهر شیوع یافت، اکثراً منازل خود را رها کردند و از دیار خود بیرون رفتند، و در نتیجه سالم ماندند، ولی غالب آنهايي که در شهر ماندند درگذشتند، چون طاعون برطرف شد، دوباره به شهر خود بازگشتند، ولی این بار عهد کردند که اگر طاعون بیاید همگی از شهر بیرون بروند تا دچار حوادث سال‌های پیش نشوند! اتفاقاً سال دیگر نیز طاعون شیوع یافت، و همه اهل آبادی یا شهر که بیش از سه‌هزار، یا هشت هزار، یا سی هزار، یا چهل هزار و یا هفتاد هزار بودند با هم از شهر کوچ کردند تا به دره‌ای فرود آمدند در آن‌جا بود که خداوند اراده کرد همه را بمیراند تا بدانند از اجل‌گریزی نیست.

پروردگار دو فرشته را فرستاد، تا یکی از سمت بالای دره و دیگری از طرف پایین دره فریاد زند: بمیرید، همه یکبار مردند و حتی دام‌های آنان از بین رفت.

ساکنین اطراف، پس از اطلاع از جریان، خود را برای دفن اجساد به آنجا رساندند، و تعدادی را به خاک سپردند، ولی چون مردگان زیاد بودند، از دفن آنان عاجز و دورشان دیواری کشیده و بازگشتند.

مدت‌ها گذشت و گوشت و پوستشان پوسیده و جز استخوان همه خاک شد، تا این که روزی حزقیل بن یوزار، سومین جانشین حضرت موسی (ع) از آنجا گذشت، چون نگاهش به انبوه استخوانها افتاد، در حیرت فرو رفت. خداوند به او وحی فرستاد که آیا به تو آیتی (معجزه‌ای) نشان بدهم تا ببینی که مرده را چگونه زنده می‌کنم؟ عرض کرد: آری یا رب...

ناگهان استخوان‌هایی که روی هم انباشته شده بود از هم جدا شده و گوشت و پوست بر آنها ظاهر و همه یک جا زنده شده و برخاستند، در حالی که می‌گفتند: سبحانک اللهم و بحمدک لاله الا انت.^۳

زراره بن اعین از امام باقر (ع) پرسید: این جماعتی را که خداوند در حقشان فرموده: «فقال لهم الله موتوا ثم احياهم» بعد از حیات آیا همین قدر زنده بودند که مردم آنها را دیدند و به حیات مجدد ایشان اعتراف کردند و سپس مردند؛ و یا زمان طولانی را زندگی کردند؟

^۱ بقره / ۲۴۳.

^۲ نام آبادی است که اطراف واسط در عراق قرار گرفته.

^۳ بعضی می‌گویند: به دعای شمعون که از انبیای بنی اسرائیل است، زنده شدند، و بعضی دیگر از مفسرین: ذا الکفل، منهج الصادقین، ج ۲

حضرت فرمود: خداوند آنها را به دنیا بازگردانید تا آنکه در خانه‌های خود سکونت گزیدند، و خوردند و آشامیدند، ازدواج کردند، و به کارها و صنایع خود مشغول شدند، و پس از آن هر یک به اجل مقدر خود درگذشت.^۱

۲. « او کالذی مرّ علی قریة و هی خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله مائة عام ثم بعثه »^۲
یا مانند آن که بر دهکده‌ای گذر کرد که سقف هایش فرو ریخته بود، پس گفت در حیرتم که خداوند چگونه این مردگان را باز زنده خواهد کرد؟ پس خداوند او را صد سال میراند، پس از آن او را برانگیخت . . .
این آیه اشاره‌ای به سرگذشت عزیز و به گفته بعضی از مفسرین ارمیا و یا خضر دارد و مراد از قریه، بیت المقدس و یا ارض مقدسه بوده و خلاصه‌ی آن چنین است:

ارمیای پیامبر گذرش به آن قریه افتاد و آن را ویران و ساکنانش را مرده یافت. از خداوند خواست، تا چگونگی زنده کردن را به او نشان دهد، خداوند ناگهان او را میراند، و صد سال بر این حال نگه داشت و او را از شر مردم و درندگان پنهان داشت پس از صد سال او را زنده گردانید.^۳

این آیه مبارکه و داستان آن بهترین دلیل بر اثبات رجعت مورد ادعای ما است، زیرا می‌گویند: بهترین دلیل بر امکان هر چیز، وقوع خارجی آن است و این آیه صراحت تام به بازگشت پس از مرگ، به دنیا دارد، و عقیده‌ی مورد بحث ما هم چیزی بیش از این نیست.

۳. « و اذ قلتم یا موسی لن تؤمن لک حتی نری الله جهرة فأخذتکم الصاعقة و انتم تنظرون * ثم بعثنا کم من بعد موتکم لعلکم تشکرون »^۴

پیروان حضرت موسی (ع) هنگامی که گفتند ایمان نمی‌آوریم تا خدا را ببینیم و عدد آنها به مضمون آیه ی « و اختار موسی قومه سبعین رجلا لمیقاتنا » هفتاد نفر بودند، همه را خداوند میراند، ولی طبق خواست موسی (ع) مبنی

^۱ منهج الصادقین، ج ۲، ص ۵۲.

شیخ طبرسی در ذیل این آیه فرموده: این آیه دلیل محکمی علیه کسانی است که منکر عذاب قبر و رجعت شده‌اند، چون احیاء در قبر و رجعت همانند همین احیاء و زنده شدن است که خداوند اینان را برای پند و هشدار بازگردانید. (مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۴۷)؛ شیخ طوسی در ذیل این آیه نظیر بیان شیخ طبرسی را فرموده: ر. ک: التبیان، ج ۲، ص ۲۸۳. برای آشنایی بیشتر با معنی آیه مبارکه و گفتار ائمه‌ی اطهار در تفسیر آن ر. ک: تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۱؛ تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۲۳۳؛ تفسیر الدر المنثور، ج ۱، ص ۳۱۲۳۱۰، کتاب «من عاش بعد الموت»، صص ۷۴ و ۷۷؛ تفسیر طبری، ج ۲، ص ۳۶۸؛ تفسیر نیشابوری، ذیل تفسیر طبری، ج ۲، ص ۳۹۰؛ تفسیر ابن عباس، ج ۲، ص ۳۹۱؛ المحکم و المتشابه، صص ۳ و ۵۷؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۸ و معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۴۷.

^۲ البقرة، ۲۵۹

^۳ منهج الصادقین، ج ۲، ص ۱۰۸؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۶۸؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۳۳۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۴۶؛ من عاش بعد الموت، ص ۷۸؛ الغیبة طوسی، ص ۲۶۰؛ الايقاظ، ص ۱۸۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۲؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۵۰.

^۴ بقره / ۵۶

بر اینکه: پاسخ بنی اسرائیل را چه بگویم؟ خداوند همه را دوباره زنده گردانید « فأحياهم »^۱ و به زندگی خود ادامه دادند.^۲

از این آیه دو نکته‌ی اساسی استنباط می‌شود:

۱. وقوع رجعت در پیشینیان
 ۲. امکان رجعت در امت اسلام که بسیاری به این آیه استدلال کرده‌اند. آیا رجعتی که شیعه به آن اعتقاد دارد جز این نمونه است؟ آیا می‌توان گفت خداوند نسبت به ارجاع در امت‌های پیشین قادر بوده است ولی از بازگردانیدن ائمه‌ی اطهار و گروهی از مسلمین پاک و مؤمن در دوران تحقق بخشیدن به وعده‌ی خویش یعنی همان تشکیل حکومت اسلامی و برقراری نظام آسمانی، عاجز است؟
- اگر با نظر انصاف و ذهن تهی از هرگونه تعصب، یا موضع‌گیری‌های غلط - که بالمآل بر طرز تفکر و برداشت از ادله بی‌تأثیر نیست - بنگریم چنانچه هیچ دلیل دیگری غیر این آیه نباشد، این آیه می‌تواند ادعای ما را ثابت کند.

بخش سوم

آیات وقوع رجعت در امت اسلام:

۱. « و یوم نحشر من کلّ أمة فوجا »^۳

روزی (فراخواهد رسید) که از هر امتی گروهی را محشور می‌کنیم.

تقریب استدلال:

حشر (در آیه فوق) از سه صورت خارج نیست.

۱. حشر پیش از قیامت

۲. حشر پس از قیامت

۳. حشر در قیامت

و طبق حصر عقلی، صورت چهارمی ندارد، و البته بطلان صورت سوم واضح است، زیرا که در قیامت کبری، تمام امت‌ها زنده و محشور می‌شوند نه از هر امتی گروهی، چنان‌که قرآن می‌فرماید:

« وحشرناهم فلم نغادر منهم احدا »^۴؛ آنان را محشور می‌کنیم و احدی را وا نمی‌گذاریم.

و صورت دوم نیز - به حکم آیه‌ی مبارکه « فریق فی الجنة و فریق فی السعیر »^۱؛ گروهی در بهشت و گروهی در آتش خواهند بود - باطل است چون حشر و رجعت بعد از قیامت مفهومی ندارد.

^۱ بقره / ۲۴۳

^۲ در «تفسیر قمی»، ج ۱، ص ۴۷، پس از نقل جریان قوم موسی چنین فرموده: و این خود دلیل بر رجعت در امت محمد(ص) است، چون پیامبر فرمود: هر چه در بنی اسرائیل واقع شده در امت من نیز واقع می‌شود «لم یکن فی بنی اسرائیل شیء، الا و فی امتی مثله». «منهج الصادقین»، ج ۱، ص ۲۷۵. . . . این آیه دلالت بر جواز رجعت می‌کند و قول کسانی که می‌گویند رجعت جایز نیست مگر در زمان پیغمبر ما تا معجزه او باشد به نبوت، باطل است زیرا که نزد ما بلکه اکثر امت، اظهار معجزات و کرامات بر دست ائمه جایز است.

^۳ نمل / ۸۳

^۴ کهف / ۴۷.

پس با قاطعیت می‌گوییم مراد از حشر در این آیه صورت اول یعنی برگشت پیش از قیامت است. استدلال علمی: استدلال مدعی رجعت به این آیه با توجه به آمدن (من) تبعیضیه در آیه است که خداوند بعضی از مردم را زنده می‌گرداند، و البته این صفت با قیامت سازگار نیست، زیرا در قیامت تمام مردم محشور می‌شوند بنابراین مفهوم حشر در این آیه فقط با رجعت سازگار است.^۲

مرحوم قمی این آیه را دال بر رجعت می‌داند، و در این زمینه روایاتی نیز نقل می‌کند.^۳ ملا فتح الله کاشانی: اصحاب ما برآنند که این روز در دنیا خواهد بود نه در روز قیامت؛ زیرا خداوند در قیامت همه را محشور خواهد کرد نه بعضی از ایشان را و این آیه دلیل بر صحت رجعت است و سپس روایاتی را نقل می‌فرماید.^۴

علامه طباطبائی پس از بحث و بررسی فراوان می‌فرماید: این آیه ظاهر است در این که مراد از حشر، پیش از قیامت (رجعت) است.^۵

۲. « رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَ اٰحْيَيْتُنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ اِلٰى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيْلٍ »^۶

پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی و به گناهانمان اعتراف نمودیم. آیا راهی بر نجات و بیرون آمدن از آتش جهنم هست؟!

استدلال: خداوند در مقام نقل قول کفار، دو زندگی و مرگ را از آنان نقل می‌کند، و اگر در همین دنیا زندگی دیگر و پس از آن، مرگ دیگر باشد، مفاد آیه واضح و صحیح نخواهد بود، زیرا هر انسانی یک زندگی و یک مرگ بیشتر ندارد.

البته بعضی از مفسرین در مقام توجیه این مطلب بر آمده‌اند تا علاوه بر تصحیح معنی آیه، مفهوم آن را تصحیح و از چهارچوب انطباق بر رجعت خارج کنند.

۱. سُدّی و بلخی گفته‌اند: مرگ اول، در دنیا و مرگ دوم، در قبر و پیش از قیامت و زیستن (زندگی) اول در قبر برای سؤال و زندگی دوم، در قیامت می‌باشد.

۲. ابن عباس و قتاده و ضحاک و ابو مسلم گفته‌اند:

مرگ اول، زمانی است که نطفه بودند^۷ و مرگ دوم زمانی است که عمر انسان به پایان می‌رسد و به خاک سپرده می‌شود.

اما حیات اول، به دنیا آمدن و متولد شدن است و حیات دوم، در روز قیامت است.

^۱ شوری / ۷.

^۲ مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۳.

^۳ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۰.

^۴ منهج الصادقین، ج ۸، ص ۱۳۴.

^۵ المیزان، ج ۱۵، ص ۳۹۸.

^۶ غافر / ۱۱.

^۷ انصاف این است که: بودن در عالم نطفه را عالم مرگ نمی‌نامند، آری دوران عدم حیات است ولی آن اعم از موت است.

۳. جبایی می گوید: مرگ اول در دنیا و مرگ دوم در قبر، و زندگی اول در دنیا و زندگی دوم در قبر است.^۱

۴. بعضی می گویند: مرگ اول در عالم در و مرگ دوم در دنیا، و حیات اول در رحم و حیات دوم در قیامت است.^۲

بدیهی است از آنجا که بیان این احتمالات مستند به قول معصوم (ع) نیست از درجهی اعتبار و ارزش صد در صدی ساقط است، و قطعیت ندارد و بدین دلیل از پذیرش قطعی این نظریات معذوریم اما خوشبختانه روایتی به سند محمد بن سالم به نقل از امام باقر(ع) به این مطلب تصریح دارد که: این آیه به اقوامی که پس از مرگ دوباره به دنیا رجعت کرده باشند اختصاص دارد و این زبان حال آنها در روز قیامت است که « دور باد خداوند از ظالمیت».^۳

از این رو قمی در تفسیر خویش تصریح می کند که مراد از این آیه رجعت است و در این زمینه روایتی از امام صادق(ع) نقل می کند.

۳. «و اقسما بالله جهد ایمانهم لا یبعث الله من یموت بلی وعدا علیه حقا و لکن اکثر الناس لا یعلمون * لیبین لهم الّذی یختلفون فیه»^۴

به خدا سوگند یاد می کنند بر این که پروردگار بر نمی انگیزد مردگان را، چنین نیست، این وعدهی حقی است، اما اکثر مردم نمی دانند . . .

استدلال: در این آیه به گروهی که برانگیختن و زنده شدن را انکار می کنند اشاره شده است که، برای تأیید انکار خود به خدا سوگند یاد می کنند.

ولی آیا این گروه زنده شدن در قیامت را انکار نموده اند و یا زنده شدن در دنیا را انکار می کنند؟

از ظاهر آیه چنین برداشت می شود که مقصود آنان انکار قیامت نیست، زیرا کسی که به معاد معتقد نباشد قطعاً به مبدأ نیز اعتقادی نخواهد داشت، در این صورت سوگند به خداوند نیز بی معنی است.

پس مراد از زنده شدن همان رجعت است، و گروهی از مسلمین سوگند یاد می کنند که خداوند در همین دنیا کسانی را بر نمی انگیزد.

شیخ کلینی که زمان غیبت صغری را درک کرده است و علی ابن ابراهیم قمی، این آیه مبارکه را اشاره به رجعت می دانند.^۱

^۱ مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۱۶.

^۲ این قول را منهج الصادقین به شیخ طوسی (تبیان) نسبت داده، ولی هر چه در تفسیر تتبع کردم، چنین مطلبی از ایشان نیافتم، ولی حیات عالم در که این آیه بر آن دلالت دارد «و إذ أخذ ربک من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم»، (اعراف / ۱۷۲) سه احتمال در آن می رود و فقط یک احتمال از آن با عالم در به معنی معروف مطابقت دارد که آن هم مورد اشکالات بسیاری قوی و محکمی است، و هر چند بیش از ۳۷ روایت در این زمینه رسیده ولی نظر به همان اشکالات، چاره ای جز توجیه عالم در نداریم، تا هم از طرفی به ظاهر آیه و روایات عمل شده باشد و از طرفی دچار آن اشکالات نشویم. برای توضیح بیشتر ر. ک: تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۹۶ و تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۷.

^۳ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۶؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۶.

^۴ نحل / ۳۸ و ۳۹.

امام صادق (ع) از برخی حضار پرسیدند: مردم راجع به این آیه چه می‌گویند؟
پاسخ دادند: می‌گویند در شأن کفار است.

حضرت فرمودند: کفار که به خداوند اعتقاد ندارند که به او سوگند بخورند؟ بلکه این آیه در ارتباط با گروهی از پیروان حضرت محمد (ص) نازل گردیده است؛ آنهایی که وقتی به ایشان گفته شد پس از مرگ و پیش از قیامت به دنیا باز می‌گردید؛ آنان سوگند خوردند که بازگشتی نیست، پس خداوند در ردّ سخن ایشان، این آیه مبارکه را نازل فرمود.^۲

ابو بصیر می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) رسیدم و معنی آیه « و اقساموا » را پرسیدم
امام فرمودند: نظر تو در ارتباط با این آیه چیست؟

عرض کردم: اشاره به مشرکین است، آنها که منکر معاد و حشرند و نزد رسول الله سوگند یاد می‌کنند که خداوند مردگان را برای محشر زنده نمی‌کند.

امام فرمودند: هلاک شود کسی که چنین گوید و چنین تفسیر کند، از آنها بپرس آیا مشرکین به خدا قسم یاد می‌کردند یا به لات و عزی (بت‌ها).

عرض کردم: پس شما چه تفسیر می‌فرمایید. فرمود: آری هنگامی که مهدی موعود (قائم) قیام کند خداوند گروهی از شیعیان ما را در حالی که (حمایل) شمشیرها را به گردن انداخته‌اند بر می‌انگیزد، این خبر به گروه دیگر از پیروان ما که هنوز نمرده‌اند می‌رسد، آنان به هم می‌گویند: خداوند فلان و فلان را از قبرهایشان برانگیخت و اینک در رکاب قائم (عج) هستند و از طرفی این خبر به دشمنان ما نیز می‌رسد، آنان به شیعیان می‌گویند شما دروغ نگفته‌اید و این است دولت شما...^۳

^۱ ما به پیروی از بزرگان، این طرز استدلال را نقل کردیم، و الا خالی از اشکال نیست و حدیثی هم که در ذیل آیه ذکر شده باید توجیه کرد. چون انکار معاد ملازمه‌ای با انکار مبدأ ندارد.

^۲ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۵

^۳ تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۵۳ سه حدیث نقل کرده و ما به یکی از آنها اکتفا کردیم.

چکیده :

۱. آیاتی از قرآن بر وقوع رجعت در امت‌های پیشین دلالت می‌کنند که عبارتند از : آیات مربوط به زنده شدن مردگان به درخواست حزقیل بن یوزا از خداوند آیات مربوط به مرگ ارمیای پیامبر و زنده شدن او پس از صد سال آیات مربوط به مرگ هفتاد نفر از بنی اسرائیل و زنده شدن آنها به درخواست حضرت موسی
 ۲. با توجه به وقوع رجعت در امت‌های پیشین امکان وقوع آن در امت اسلام اثبات می‌شود.
 ۳. آیاتی از قرآن بر وقوع رجعت در امت اسلام اشاره دارد که عبارتند از : «یوم نحشر من کل امه فوجا» با توجه به وجود «من» تبعیضیه ، این آیه دلالت بر رجعت در دنیا دارد.
- آیه یازده سوره غافر که دلالت بر دوبار زندگی و دوبار مرگ بعضی انسانها دارد ؛ بر اساس روایت امام باقر (ع) این آیه دلالت بر افرادی دارد که پس از مرگ به دنیا رجعت کرده و سپس مرده‌اند.
- آیات ۳۸ و ۳۹ سوره نحل که بر اساس احادیث و حکم عقل دلالت بر رجعت دارد.